

جامعه‌شناسی

۱-گزینه «۲» - در جوامعی که علاوه بر علم تجربی، علوم عقلانی و وحیانی را معتبر می‌دانند، تعاریف متفاوت و گاه متضاد از علم رواج می‌یابد و در ذخیره دانشی آن‌ها تعارض‌ها پدید می‌آورد. در چنین شرایطی ارتباط دو سویه دانش علمی و دانش عمومی قطع می‌شود.

- جهان متجدد، براساس هویت دنیوی، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند.

- علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی)، می‌تواند از سویی در حل مسائل و مشکلات بومی ما مفید و کارآمد باشد و از سوی دیگر به زبان و منطق جهان‌شمول سخن بگوید. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۴، ۶ و ۷) (دشوار)

۲-گزینه «۳» - عبارتهای دوم و سوم درست می‌باشد. اما عبارت اول و چهارم نادرست می‌باشد. زیرا:

- دیدگاهی که تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌ها می‌داند. دانش عمومی را در مقابل دانش علمی، دارای ارزش ناچیزی می‌داند نه اینکه پایه و اساس هر دانش.

- دانش علمی (نه دانش عمومی)، با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۴، ۵، ۷ و ۸) (متوسط)

۳-گزینه «۱» - به جز گزینه «۱»، بقیه عبارتهای، پیامدهای تعارض در ذخیره دانشی است و اینکه دانش عمومی می‌تواند یا نمی‌تواند دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد. ارتباطی با تعارض در ذخیره دانشی جوامع ندارد.

- اوایل قرن بیستم میلادی، عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» بر «روش» علوم تأکید کردند. آن‌ها «روش تجربی» را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند که همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند.

(نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۷) (متوسط)

۴-گزینه «۴» - براساس شکل داده شده، دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود بلکه دانش‌های فراتجربی را نیز شامل می‌شود. دانش عمومی نیز دانش غیرموقت و نامعتبر نیست بلکه کم و بیش در آن دانش‌های حقیقی و صحیح نیز وجود دارد (ولی) دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی، نسبت به دانش عمومی، از اعتبار بیش‌تری برخوردار است.

(نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۸) (دشوار)

۵-گزینه «۲» - دانش علمی، با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی، شکل می‌گیرد و پیشرفت می‌کند یعنی هر وقت در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد.

- کسی که دانش علمی دارد (مجهز به دانش علمی)، به درک عمیقی از دانش عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد و آسیب‌ها و اشکالاتی را که به دانش عمومی راه پیدا کرده‌اند، شناسایی می‌کند.

- اگر این آگاهی و دانش‌ها نباشد، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرومی‌پاشد. این دانش را انسان‌ها در طول زندگی خود به‌دست می‌آورند؛ یعنی این دانش، حاصل از زندگی (دانش عمومی) است.

- هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارد، این ذخیره دانشی، راهنمای زندگی آن‌هاست. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۲، ۴ و ۵) (متوسط)

۶-گزینه «۱» - کسی که دانش علمی دارد، آسیب‌ها و اشکالاتی را که به دانش عمومی راه پیدا کرده‌اند، شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در دانش عمومی دفاع کند.

- در دیدگاهی که دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود در این دیدگاه دانش علمی و دانش عمومی با داشتن رابطه متقابل بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند.

- جهان اجتماعی یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم، دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

- هر آنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و ... می‌آموزند. ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آن‌ها را شکل می‌دهد. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۲، ۴، ۵ و ۸) (دشوار)

۷-گزینه «۳» - وقتی در ذخیره دانشی جوامع، تعارض‌هایی پدید آید، دانش عمومی به طور همه جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند و دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند.

ما انسان‌ها با تولد و ورود به جهان اجتماعی، با دیگرانی که در همان جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهم و شریک می‌شویم. وقتی دانش علمی (تجربی)، راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است، دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۳، ۷ و ۸) (دشوار)

۸-گزینه «۲» - افرادی که درباره مسائل بحران اخلاقی، ناامنی، بحران هویت، ترافیک و ...، شناخت علمی دارند، از شناختی دقیق برخوردارند و می‌توانند برای آن‌ها راه‌حل‌های صحیح پیدا کنند. ذخیره دانشی، بخش دیگری نیز دارد که با تأمل و اندیشه در دانش عمومی به‌دست می‌آید. به این دانش عمیق‌تر و دقیق‌تر، دانش علمی می‌گویند.

علوم انسانی و اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی)، می‌تواند در حل مسائل بومی کارآمد باشد و به زبان و منطق جهان شمول سخن بگوید و در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد. جهان متجدد براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌داند و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کند.

(نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۵، ۶ و ۷) (دشوار)

۹-گزینه «۴» - اعضای جهان اجتماعی برای حل تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی، گاه بخشی از ذخیره دانشی را به نفع بخشی دیگر رها می‌کنند و گاهی ایده‌های جدید می‌دهند.

- جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند. - رویکردی که فقط علم تجربی را علم می‌داند و سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانسته‌اند، از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد.

- وقتی در یک جامعه، مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه برای پیدایش دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد. (نبی‌زاده) (پایه دوازدهم - درس اول - صفحه ۵ و ۶ و ۷) (دشوار)

۱۰-گزینه «۲» - آگاهانه بودن کنش به این معناست که کنش وابسته به آگاهی آدمی و به گونه‌ای است که بدون آگاهی انجام نمی‌شود. پیامد غیرارادی کنش، قطعی است (نه احتمالی) یعنی حتماً انجام می‌شود. این پیامدها نتیجه طبیعی کنش‌اند چون کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آن‌ها را اراده کند. (نبی‌زاده) (پایه دهم - درس اول - صفحه ۴ و ۷) (متوسط)

۱۱-گزینه «۳» - به ترتیب، ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و روش رسیدن به ارزش‌ها هستند و شیوه انجام کنش اجتماعی، همان هنجار اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است. مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران، شیوه‌های معینی دارد. (نبی‌زاده) (پایه دهم - درس دوم - صفحه ۱۳) (دشوار)

۱۲-گزینه «۱» - جهان اجتماعی و نظم آن، تکوینی نیست، بلکه اعتباری است یعنی با آگاهی و اراده انسان‌ها شکل می‌گیرد. علاوه بر این، آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، آگاهی فردی و خصوصی نیست، بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. (نبی‌زاده) (پایه دهم - درس سوم - صفحه ۲۲ و ۲۳) (متوسط)

۱۳-گزینه «۳» - دانشمندان، جهان اجتماعی را براساس معیارهای مختلف، تقسیم‌بندی و اجزای آن‌ها را شناسایی می‌کنند. جهان اجتماعی با انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد تداوم می‌یابد ولی از طریق وراثت، از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود.

نهاد اجتماعی، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نهادهایی است که برای رفع نیازهای معینی از افراد و جهان اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند. هر نهاد اجتماعی، شیوه قابل قبول تأمین بعضی از نیازهای افراد را معین می‌سازد. شناخت خداوند، فرشتگان و جهان ماوراءطبیعی، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی آدمیان را تغییر می‌دهد و کنش‌های اجتماعی آنان را دگرگون می‌سازد.

(نبی‌زاده) (پایه دهم - درس سوم و چهارم - صفحه ۲۴ و ۲۶ و ۳۰ و ۳۴) (متوسط)

۱۴-گزینه «۲» - کشورهای صنعتی به ارزان‌ترین قیمت ممکن، نفت مورد نیاز خود را می‌خریدند، زیرا در کشورهای نفت‌خیز، بُعد عینی نفت به عنوان یک سرمایه وجود داشت ولی بُعد ذهنی و معنایی آن مفقود بود و صاحبان آن کشورها از اهمیت نفت و وضعیت کشورهای صنعتی و نیاز ضروری آن‌ها به نفت اطلاع کافی نداشتند اما برای هزینه کشورهای خود، نیازی نداشتند. (نبی‌زاده) (پایه دهم - درس چهارم - صفحه ۳۲) (دشوار)

۱۵-گزینه «۴» - تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان و اعتقادات اصلی بازگردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است. تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی و عناصر ثابت محوری باشد، آن را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کند. تفاوت‌هایی که به حوزه نهادها و هنجارها باز می‌گردد، از نوع تفاوت میان جهان‌های اجتماعی مختلف نیست، بلکه از نوع تفاوت‌هایی است که درون یک جهان اجتماعی پذیرفته می‌شود. رفتار سایر موجودات زنده، ناآگاهانه یا غریزی است ولی جهان اجتماعی را انسان آگاه و خلاق، پدید می‌آورد. (نبی‌زاده) (پایه دهم - درس پنجم - صفحه ۴۰ و ۴۱) (دشوار)